

جنگ آوری در دریا

در تابستان 626، دنیای باستانی دچار هرج و مرج شده بود. بنظر میرسید امپراتوری **بیزانتین** با مرگ خود دست بگریبان است. از غرب بیایان گردان **آوارس**، **کانستنتین پل** را محاصره کرده بودند در حالیکه سربازان **پارسی** آزمندانه درست آنسوی آبراه **بفسر** به شهر باشکوه **کلسدون** نگاه میکردند. در داخل دیوارهای شهر امپراتور **هراکولس** دفاع را جهت سازی میکرد، تا شهر را نجات دهد، و ممکن است پیش از آن نقشه جنگ آوری بزرگ 8-624 را کشیده بود که او و ارتشش را به عمق پشت نیروهای **پارسی** میبرد تا به قلب امپراتوری **ساسانیان** ضربه بزند. در این میان، در **عربستان** دور افتاده، **محمد پیغمبر** برای دفاع از پایگاه خود در **مدینه** بر ضد نیروهای **مکه** مبارزه میکرد، و نا ممکن است که کسی در ارتش **بیزانتین** یا **پارسی** چیزی از این جنبش تازه و یا ادعای او را که پیغمبر خدا ست میدانستند.

در همان تابستان کشتی بازرگانی کوچکی راه خود را بسوی بالای ساحل غربی آسیای مرکزی می پیمود. همچنانکه کشتی از کانال باریک و طوفانی میگذشت که امروزه جزیره **یونانی کوس** و **کالیمنوس** را از خاک اصلی **ترکیه** جدا میکند، به صخره زیر آبی برخورد کرد که با یک بیرون زدگی بنام **یاسی آدی** (جزیره هموار) شناخته میشود.¹ آیا چون ملوانان صخره را نمیشناختند یا چون کشتی کوچک سعی میکرد از طوفان شدید **مالتی** پناهی بجوید، کشتی در 30 متر آب غرق شد. کشتی باید بتندی پائین رفته باشد چون آنها فرصت نکردند سکه های طلا و مسی را که برای امن (ژان) نگهداشتن آنها را در صندوقی گذاشته بودند یا وسایل آشپزخانه را بردارند. ملوانان با کشتی خود از دست رفتند، مگر اینکه آنها شناگران نیرومندی بودند کسانیکه میتوانستند 50 متر تا ساحل را شنا کنند.

کشتی شکسته **یاسی آدی** اهمیت کلیدی برای درک ما از کشتی رانی در دریای **مدیترانه** در پایان عهد عتیق دارد. از 1961 تا 1964 آن یک موضوع اصلی اکتشاف زیر دریایی بود که درباره کشتی و بار آن مقدار گسترده ای اطلاعات کشف شد. آن یک کشتی بزرگی نبود، بطول اندکی کمتر از 21 متر و با ظرفیت 60 تن. کشتی باربری بود که 900 عدد کوزه های باریک با دودسته را ترابری میکرد، که احتمالاً پر از شراب بودند. ملوانان تمایل داشتند که براحتی دریانوردی کنند، برای اینکه در قسمت پائین کشتی یک آشپزخانه با کاشیکاری آراسته شده بود و ابزارهای کامل وظروف پختن و پشقاب های عالی و دیگر وسایل میز غذا خوردن در آنجا وجود داشت.

گمان زده میشود که کشتی بخت برگشته بیک کلیسا تعلق داشته است و برای ترابری کردن تدارکات ارتش **بیزاننتین** بکار برده میشد، اما حقیقت آن است که ما نمیدانیم چه کسی و چرا آن را دریانوردی میکرده است. تاریخ کشتی آنطور که هست درست بیدرنگ پیش از آغاز تسخیر **مسلمانها** میباشد، و در آخرین سالهای عهد عتیق از تجارت مدیترانه شرقی خیلی چیزها را بما میگوید. آبی که کشتی از میان آن دریانوردی میکرد طوفانی و خطر ناک بود، برای مطمئن بودن، اما دریا بطور گسترده از دزدان دریائی و حمله های دشمن آسوده بود، و برای قرنهای دراز مدتی آنطور بود، وقتیکه آب های مدیترانه دارائی **بیزاننتین** "مار نوستروم" بود. در دو دهه تمام آن وضعیت تغییر میکرد و آبهای صلح آمیز **لوانت** میدان درگیری دریائی جنگ هایی ویرانگر و شدید میشد.²

در میان **عربها** سنت ترابری دریائی وجود داشت. در دوران پیش از اسلام، **عربها** دریانوردی میکردند و قرآن (46: 30) به ایمان آوردگان گفت که خدا باد را فرستاد "بنابر آن کشتی بتواند دریانوردی کند بدستور او و بنابر این تو بتوانی نعمت های آن را جستجو کنی"، و که "آن خداست کسیکه کشتی را در دریا بحرکت در میآورد که تو بتوانی نعمت های آن را جستجو کنی" (66: 17). این ودیگر اشاره ها روشن میکند که دست کم بعضی **عربها** عادت داشتند گشتندگی های دریائی بکنند.³ در آنجا همچنین سنت بی اعتمادی به دریا در میان **مسلمانهای** اولیه وجود داشت. گفته شده است مخصوصاً، خلیفه **عمر** عمیقاً به دریا مظنون بوده است، و آنرا یک خطر برای **مسلمانها** در نظر میگرفت. عمر احتیاط او کوتاه بود. یکی از شگفت آورترین جنبه های تسخیر **مسلمانان** اولیه سرعتی بود که **مسلمانها**، یا دقیق تر ناوگان زیر فرمان **مسلمانها**، توانست نیروی دریائی برجا شده امپراتوری **بیزاننتین** را بمبارزه بخواند. از جهتی آنها مجبور شدند برای ضرورت دفاع از سواحل **سوریه** و **مصر** در برابر حمله های غارتگرانه ناوگان **بیزاننتین**، که در دوران سه قرن اول اسلامی ظرفیت خود را برای حمله از دریا به شهرهای ساحلی نگه داشته بود. اگر به **بیزاننتین** فرمانروائی به دریا بدون مبارزه جوئی اجازه داده میشد، هیچکس در امتداد سواحل **سوریه**، **فلسطین** یا **مصر** نمیتوانست در امان (ژان) در نظر گرفته شود. همچنین بزودی **مسلمانها** آغاز بدیدن امکان بکار بردن کشتی ها برای منظورهای تهاجمی کردند. جزیره **قبرس**، در جایکه قرار دارد تنها 100 کیلومتر از ساحل **سوریه** دور است، یک هدف آشکار بود.⁴ در 649 فرماندار **سوریه**، **معاویه**، بعداً اولین خلیفه **اموی**، ناوگان اکتشافی بر ضد جزیره اعزام کرد. جالب است که تاریخ اشغال تائید شده است با یک نوشتار **یونانی** با **بیشاپ جان** در 655 برای یادآوری دوباره سازی **باسیلیکا** در **سولی**، که بوسیله حمله غارتگرانه آسیب دیده بود،⁵ این تقریباً یگانه مرجع معاصر به تخریب و دوباره سازی در زمان اولین تسخیرهای **مسلمان** است.

بنابر سنتی که در منابع **مسلمان** نگهداری شده است،⁶ **عمر** از اجازه دادن به **معاویه** برای رفتن بدریا خود داری کرد، اما جانشین او **عثمان**، اجازه خود را داد با شرط کنجکاو برانگیزی که **معاویه** باید زن خود را بهمراهش ببرد، با این گمان که او را تشویق کند تا خطرهای غیر لازم نکند. او و تعدادی از **مسلمانهای** برجسته، آنچنانکه باید با زنانشان همراهی میشدند. بعد از اولین حمله غارتگرانه پیروزمندانه، مردم **قبرس** مجبور شدند خراج سالیانه به **مسلمانها** پرداخت کنند. آنها پیش از این یک خراج به **بیزاننتین**

پرداخت کرده بودند، بنابراین جزیره بزیر نوعی قانون ورزی مشترک رفت، هر دو طرف مقداری پول دریافت میکردند اما هیچکدام پادگانی همیشگی در قبرس نگه نمی داشتند. در 654 معاویه دوباره قبرس را اشغال کرد چون، مسلمانها ادعا کردند، قبرسی ها بر ضد آنها به بیزانثینی ها کشتی داده بودند و بنابر آن شرایط قرار داد را شکسته بودند. گفته شده است ناوگان مسلمان شامل 500 کشتی بود و یک نیروی 12000 نفری از سربازان معمولی را با خود داشت (مردانیکه نام آنها وارد دیوان شده بود). در آن زمان گزارش شده است که معاویه مسجد و شهر جدیدی در جزیره ساخت و در آنجا مردانی از بعلبک را با دادن حقوق به آنها در پادگان ساکن کرد. این پست دور افتاده تا زمان یزید پسر معاویه باقی ماند که مردان را پس کشید و شهر را ویران کرد، چونکه بگمانی در نظر او قبرس ارزش پرداخت پول بمردان پادگان را نداشت.

در دوران اواخر قرن هفتم و قرنهای هشتم و نهم، قبرس بین دنیاهاى مسلمان و مسیحی از موقعیتی یگانه بهره مند بود. اما آن همیشه آسان نبود. درباره یک قرار دادی که بنظر میرسد از جهت های زیادی با قانون اسلام تائید نمیشد فقهای مسلمان ناراحت بودند. همچنین از جایگاه یک چشم انداز نظامی همیشه این بدگمانی در آنجا وجود داشت که قبرسی ها به بیزانثینی ها کمک میکنند. خلیفه اموی ولید دوم خیلی از قبرسی ها را به سوریه فرستاد، لیکن جانشین او یزید سوم به آنها اجازه داد تا به قبرس برگردند. مشکل در زمان عباسیان ادامه پیدا کرد و در 806، در دوران حکومت هارون الرشید، گفته شده است مردم شهر شورش کردند با و اقدام به اعزام نظامی شد تا آنها را بداخل خط بیاورند؛ گفته شده است 16000 زندانی به رقا پایگاه هارون در شمال سوریه برده شده بودند، جائیکه کسان آنها پول گروگان گیری را پرداختند و یا ببردگی فروخته شدند، یک بیشاپ قبرسی 2000 دینار آورد.⁷ با وجود این واپس نشینی ها، فرهنگ یونانی مسیحی در قبرس بجا ماند و قتیکه در سرزمین اصلی نزدیک عملاً ناپدید شده بود. در دومین شورای نیکائی (در امپراتوری بیزانثین) که در 787 برگزار شد، بیشاپ های کلیساهانی که زیر قانون ورزی مسلمان بودند قادر نبودند شرکت کنند، لیکن از قبرس تا پنج بیشاپ آمدند، که نشان میداد ارتباط با دنیای امپراتوری بیزانثین هنوز نزدیک است.

اولین حمله غارتگرانه به قبرس با حمله هائی دیگر به جزایر مدیترانه، رودس و کاس احتمالاً در 654 دنبال شد که چپاول شدند.⁸ تا این مرحله مسلمانها مستقیماً با ناوگان بیزانثین در گیر نشده بودند، که هنوز به شرق دریای مدیترانه فرمانروائی میکرد. اولین درگیری واقعی ناوگان مسلمانها با بیزانثین باصطلاح نبرد میستر (دهات الساوارى) یا نبرد فونیکس در ساحل لیسین در 655 بود.⁹ توصیف ابن عبدل حاکم، وقایع نگار یونانی تنوفینز و وقایع نگار بعدی عرب ابن الاتیر¹⁰ بدین معنی است که در این دوران ما درباره این درگیری تا هر درگیری ناوگانی دیگر اطلاعات بیشتری داریم. بنابر منابع عربی، جنگجویی آغاز شد و قتیکه امپراتور کاستنتین دوم (641-68) یک ناوگان جنگی اعزامی گرد آوری کرد تا با تسخیر شمال افریقا توسط مسلمانها ضدیت کند. او با ناوگانی از 500 یا 600 کشتی حرکت کرد، "و مردان بیشتری که بیزانثین از آمدن اسلام تا آن زمان هرگز گرد آورده بود". معاویه

فرماندار **مصر**، کسیکه همچنین "مسئول دریا"^{*} بود **ابن ابی ساره** را فرستاد تا جلوی آنها را بگیرد. دو ناوگان در **لیسین** رو در رو شدند. وقتیکه اول **بیزانطینی ها** را دیدند باد بر ضد **مسلمان ها** بود، اما سپس ایستاد و دو ناوگان لنگر انداختند. دو طرف برای متارکه جنگ در شب موافقت کردند؛ مسلمانان قرآن خواندند و دعا کردند و **بیزانطینی ها** ناقوسهای خود را بصدا در آوردند. بامداد بعد دو ناوگان بیکدیگر نزدیک شدند و **مسلمانها** با **بیزانطینی ها** گلاویز شدند. جنگیدن با شمشیر و خنجر بود و مردان زیادی از هر دو طرف کشته شدند. در پایان خدا به **مسلمانها** لطف کرد، امپراتور زخمی شد و از میدان نبرد گریخت و تنها تعداد اندکی با او با زندگی خود فرار کردند. برای چند روز **ابن ابی ساره** در مکان باقی ماند و سپس به **سوریه** برگشت.

بلندترین گزارشی را که ما داریم با **ابن عدل حاکم** داده شده است، کسیکه منابع **مصری** را بکار برده است، بگمانی این منابع در آنجا جمع آوری شده است چونکه خیلی از مردان در ناوگان **عرب** از **مصر** آمده بودند و بآنجا برگشتند. در هر صورت، گزارش بیشتر بشکل فرمولی و مایوس کننده است یک فضای بزرگ بی ارتباط به گفتگویی داده شده است که چه کسی با دختر چه کسی بعد از وقایع ازدواج کرده است و موضوع هائی که ارزش کمی برای تاریخ ورز ناوگانها دارد. بنابر آنچه ما میتوانیم از این گزارش بر چینیم، نبرد دریائی بخشی از عملیات مخلوطی بود و نیمی از کارکنان کشتی در آن زمان در خشکی بودند. **بیزانطینی ها** هزار کشتی داشتند در مقایسه با **مسلمانها** که 200 کشتی داشتند. فرمانده، **ابن ابی ساره**، شورای جنگ تشکیل داد که در آن یک سخنگو براه تشویق کننده ای گفت گروه کوچکی میتواند بر گروه خیلی بزرگتری پیروز شود اگر خدا پشتیبان آنها باشد. با روحیه **مسلمانها** که آنچنان افزایش یافته بود، دو ناوگان بهم نزدیک شدند و جنگیدن با تیر و کمان آغاز شد. امپراتور¹¹ پیغام هائی فرستاد تا پی ببرد که جنگ چگونه پیش میرود. وقتیکه او شنید که آنها با تیر و کمان میجنگند، او گفت **بیزانطینی ها** پیروز خواهند شد؛ وقتیکه بعداً او شنید آنها سنگ پرتاب میکنند، او دوباره گفت **بیزانطینی ها** پیروز میشوند؛ اما وقتیکه او شنید کشتی ها بهم بسته شده اند و مردان با شمشیر میجنگند، او پیشبینی کرد که **عربها** پیروزمند خواهند شد.

گزارش **تتوفانس یونانی** یک کمی پیشواره اش دیگرگون است، بنابر او، **معاویه** ناوگانی را آماده میکرد برای حمله به **کانستنتین پل**. در حالیکه ناوگان آماده میشد در **تریپولی (لبنان)** دو "دوستانان **مسیح** برادر، پسران **بوسیناتور {ترامپتر}**" بداخل زندان **تریپولی** رفتند و تعداد زیادی اسیر **بیزانطینی** را آزاد کردند. سپس آنها شهر را غارت کردند و امیر را کشتند، پیش از اینکه بخاک **بیزانطین** فرار کنند. در هر صورت، **معاویه** منصرف نشد و ناوگان بفرماندهی **ابول اواری** چنانکه باید حرکت کرد. امپراتور **کانستنتین** در **فونیکس در لیسین** که غمگینانه بصورت بدی آماده شده بود وارد جنگ شد. دریا بزودی پر از خون **بیزانطینی ها** شد و امپراتور شنل امپراتوری را بکنار انداخت تا بدون شناسائی فرار کند. او تنها با یکی از پسران **بوسیناتور** نجات داده شد، کسیکه او را از آب نجات داد و بجای او کشته شد.

* عالم البحر

تمام گزارش ها توافق دارند که نبرد **میستز** پیروزی بزرگی برای **مسلمانها** بود و به پایان برتری دریائی بدون ستیز **بیزانتین** بر شرق دریای **مدیترانه** نشانه زد. بد شانس است که ما تصویر روشنتری از آنچه اتفاق افتاد نداریم. موخر ترین تاریخ ورز این نبرد عقیده تحقیر آمیزی از هر دو طرف دارد.

مقدماتی ترین قانون های جنگ آوری دریائی بشدت با هر دو طرف نادیده گرفته شد، بخشی از آن بخاطر دست کم گرفتن **بیزانتینی** ها از دشمن بود. دو ناوگان پیش از درگیر شدن تمام شب روبروی یکدیگر بودند بدون هیچ نقشه ای. هیچ چیز (با منجنیق) بیکدیگر پرتاب نکردند، نه با تیرهای کمان و یا سنگ با ماشین های مخصوص (منجنیق) پرتاب کن. هیچ کوبیدن یک کشتی به کشتی دشمن را هیچکدام انجام ندادند. از آنجا که اقدام به کشتی دشمن رفتن مهارت زیادی میخواست، **عربها** یک راه حل آسانتری پیدا کردند؛ آنها ترتیبی دادند تا بتوانند کشتی های خود را به کشتی دشمن بچسبانند و بنابراین آنها جنگ آوری دریائی را به جنگ آوری زمینی تغییر دادند... هیچکدام از طرفین به در نظر گرفتن باد توجه نکردند.¹²

برای دانستن منصفانه بودن این سرزنش منابع واقعاً خیلی اندک هستند. در هر صورت، این روشن است که بطور کلی ناوگان **مسلمانها** از نیروهای **بیزانتین** پست تر بودند. این مخصوصاً در زمان حمله به **کانستنتین پل** نمایان بود، که در 674 آغاز شد.¹³ **مسلمانها** از اول فهمیده بودند غیر ممکن بود که شهر را بگیرند بدون اینکه اول به آبهای اطراف **کانستنتین پل** مسلط شوند. یک ناوگان بزرگ **عرب** بفرماندهی **پسر خلیفه معاویه** و در نهایت **جانشین او یزید**، وارد دریای **مرمر** شد. برای چهار سال شهر را در تابستانها بستند و سپس در زمستانها به **سیزیکاس** در جهت جنوبی دریا میرفتند، باوجود این فشار مدام، مدافعان خود را محکم نگهداشتند. ظاهراً برای اولین بار، **بیزانتینی ها** با بکار گرفتن "**آتش یونانی**" ستایش شده کمک شدند که با یک **کلینیکاس** اختراع شده بود، یک پناهنده از **بعلبک** در **سوریه** که در دست **عربها** بود. **آتش یونانی** مخلوطی از نفت سیاه و مواد دیگر بود تا به چوب بچسبد. آن سبک بود و از لوله ای شترگلو مانند بسوی کشتی دشمن پرتاب میشد. با دانستن اینکه فرمول آن از یک **بعلبکی** بدست **بیزانتینی ها** رسید، در هر صورت، این مطمئناً غیر ممکن نیست که سرچشمه این تکنولوژی در خاور میانه باشد. در حقیقت بعضی گواه هائی وجود دارد (نگاه کنید به شعر زیر) که **مسلمانها** در اولین دوران محاصره شهر **آتش یونانی** را داشتند.

پیروزی جشن گرفته شد در یک شعر معاصر **یونانی** نوشته شده با **تنودوسیوس گراماتیکاس**، بیشتر شعر ستایش مرسوم خداست که این پیروزی را به **مسیحی ها** داد، اما در آنجا خط هائی هست که بنظر میرسد به واقعیت معاصر روشنائی میاندازد.

برای توانائی مانند تو، سرور همه، شهر تو را نجات داد از موج خرد کننده کثیف ترین و شیطانی ترین **عربها**، تو ترس و لغزش و سایه باز گشت از آنها را ربودی ...

کجاست حالا، اوه لعنت شده ها آیا میدرخشانید ردیف تیرهای روشنشان را؟ کجاست حالا، آهنگ قوس کمان ها و زره آنها؟ برق شمشیر و نیزه شما کجاست، زره سینه و کلاه خودهای برنزی سرتان، شمشیرها و سپرهای سیاهتان؟

کجا هست کشتی های دو طبقه آتش انداز، و دوباره، و کشتی های یک طبقه، همچنین تند رو در مرحله های نبرد؟

چه میگوئی، بینوای حریص **عرب (اسماعیل)؟ مسیح** در کار رستاخیز نیرومند بود و او بنام خدا و سرور قانون ورزی میکند. او نبرد را نیرومیدهد و پشتیبانی میکند. او کمان ها را میشکند و نیروی انسان را تحلیل میبرد ... بنابراین، اقیانوس، تو کسیکه نمایش دادی آدم کشان را که شکسته شدند به ذرات، ستایش خدا را! و زمین کسیکه نیرو نشان داد و ستایش باد خدای همه را، بلند کنی دگر سروده را برای کسیکه شرف، شکوه و نیرو مناسب است از راه بدون ایستادگی هزاران هزار سال های طولانی.¹⁴

در 678 در پایان ناوگان **مسلمانها** شکست خورد و پراکنده شد و ارتش زمینی مجبور شد پس نشینی کند. در راه برگشت به **سوریه**، بیشتر کشتی های ناوگان **عرب** در یک طوفان در ساحل **پمفیلین** نابود شدند. پیروزی ناوگان **بیزانتین** در پایان **کانستنتین پل** را نجات داد.

دومین اعزام نظامی اصلی دریانوردانه بر ضد **کانستنتین پل** در 716-18 اتفاق افتاد. از آنجا که منابع **عربی** خیلی کوتاه سخن گفته اند یکبار دیگر وقایع نگار **یونانی** **تتوفینز** شاهد اصلی ما هست. بنابراین **یونانی**، در گیری با یک ستیز بر سر منابع الوار که آنچنان برای ساختن کشتی ضروری بود آغاز شد. **بیزانتینی ها** آگاه شدند که **عربهای مصری** برای گردآوری الوار به **لبنان** اعزام شده اند. امپراتور **آرتیموس** تصمیم گرفت جلوی آنها را بگیرد و کشتی های دریانورد تندرو را گردآورد تا اینکار را بکنند. کشتی های **بیزانتین** در **رودس** گردآمدند زیر فرمان خدمتکار کلیسای بزرگ **هاگیا سوفیا** بنام **جان**، که همچنین وزیر دارائی بود. دستور اینها این بود که به **لبنان** حمله غارتگرانه بکنند و الوارها را بسوزانند. اعزام نظامی آنگونه که طراحی شده بود اجرا نشد. آنچنانکه غالباً در این دوران امپراتوری **بیزانتین** معمول بود، شورش برپا شد و فرمانده امپراتوری کشته شد و سربازان بسوی پایتخت حرکت کردند تا **آرتیموس** را سرنگون کنند، و **عربها** را رها کردند تا به کشتی سازی خود ادامه دهند.

در 716 ارتش زمینی انبوهی بفرماندهی **مسلا بن عبدل ملک** رژه وار بسوی **کانستنتین پل** حرکت کرد. در همان زمان ناوگانی جمع آوری شد. بنظر میرسد کارکرد اصلی آن پشتیبانی و تدارکات ارتش زمینی بود که **مسلا** با آن به شهر حمله میکرد. زمستان 716-17 در ساحل **سیلیسین** گذرانده شد. در تابستان کشتیها بسوی غرب و سپس شمال دریانوردی کردند. آنها در **آبیدوس** در **هلسپوند** پیش از وارد شدن بدریای **مرمره** لنگر انداختند. در 15 اگست **مسلا** محاصره شهر را آغاز کرد و در یکم سپتامبر ناوگانی بزرگ، که گفته شده است از 800 کشتی تشکیل شده بود، پائین دیوارهای شهر لنگر انداخت، بعضی ها در شهرک های **آسیانی**

بسفور، دیگران در ساحل اروپایی شمال شاخ طلائی. تئوفنز میگوید که کشتی های عرب بکاری نمیامدند چون آنها با بار خود سنگین شده بودند. هوا خوب بود و آنها ببالای بسفور پیشروی کردند. این یک اشتباه بزرگ بود. امپراتور لیو سوم، مشاهده میکرد و عملیات را از اکروپولیس جهت سازی میکرد، کشتی های آتش را بمیان کشتی های عرب فرستاد که آنها را تبدیل به کشتی شکسته های آتش گرفته کرد: بعضی از کشتی ها که هنوز میسوختند به دیوار دریا برخوردند در حالیکه کشتی های دیگر در آب عمیق غرق شدند، مردان و کشتی های دیگر همه هنوز بشدت میسوختند، جزیره اکسیا و پلاتیا تا دورافتاده جزیره مدرن شاهزاده در دریای مرمره. "شهروندان برای این بشدت شادی کردند در حالیکه حمله کنندگان از ترس میلرزیدند، "تشخیص میدادند که چقدر آتش مایع قوی است". بعضی کشتی های عرب از آتش بزرگ بجا ماندند و امپراتور تلاش کرد تا آنها را در داخل شاخ طلائی با پائین آوردن زنجیری که بین شهر و گالنا کشیده شده است بدام بیاندازد. فرمانده های عرب میترسیدند که اگر آنها داخل شوند، زنجیر بالا آورده خواهد شد و آنها کاملا بدام میفتادند. بجای آن آنها ببالای بسفور رفتند، جائیکه آنها زمستان را در ساحل اروپایی گذراندند جائیکه دژ بزرگ عثمانی ها روملی حصار حالا ایستاده است.¹⁵

زمستان خیلی سخت بود. برای 100 روز برف روی زمین بود، و نیروهای مسلمان در خشکی از گرسنگی و سرما بشدت رنج بردند. بهار بعد نیروی تقویتی رسید، 400 کشتی ترابری غذا از تجار مصری که با سوفیان فرماندهی میشد، و بدنبال آن 260 کشتی از تجار شمال افریقا که اسلحه و تدارکات آوردند. حالا هر دو فرمانده از خطرهای آتش یونانی شنیده بودند و، بجای اینکه بدیوارهای شهر نزدیک شوند، کشتیهای خود را بیرون از راه خطرناک در ساحل آسیایی دریای مرمره بخوبی پنهان نگه داشتند. خیلی از ملوانان هر دو ناوگان مسلمان، کاپتیکیهای مسیحی از مصر بودند و دست کم بعضی از آنها تصمیم گرفتند که وفاداری واقعی آنها با هموندان مسیحی در امپراتوری بیزانتین قرار دارد. یک شب آنها کشتی های سبک از کشتی های تجارتی را برداشتند و به شهر رفتند و وفاداری خود را به امپراتور اعلان کردند. آنها به امپراتور در باره کشتی های پنهان شده در امتداد ساحل جنوبی دریا گفتند و او سیفون های آتش بر را آماده کرد و روی عرشه کشتیها گذاشت و "کشتیهای دو طبقه شده". "سپاس خدای بزرگ را"، وقایع نگار پرهیز کار نوشت، "بوسیله دخالت مادر مقدس پاکدامن، کشتی های دشمن در جا غرق شدند. کالا ها و تدارکات از ناوگان عربها گرفته شد."

پایان در 16 اکتبر 718 فرا رسید وقتیکه پیغامی از خلیفه پرهیز کار عمر دوم آمد، کسیکه همیشه درباره اعزام های نظامی بلند پروازانه محتاط بود، که به مسلاما دستور میداد برگردد. یک بار دیگر دخالت آسمانی بکمک بیزانتین آمد.

در حالیکه اعزام نظامی در حال برگشتن بود، آنها گرفتار طوفان شدیدی شدند: آن از جانب خدا آمد و با میانجیگری مادر مقدس. خدا بعضی از آنها را در پروکونسوس {جزیره ای در دریای مرمره که در عهد عتیق برای معدن سنگ مرمرش

مشهور بود} و دیگران را در آپوستروفیو و دماغه های بلند دیگر غرق کرد. آنهایی که باقی ماندند بدریای آگن رفتند و قتیکه خشم ترسناک خدا به آنها حمله کرد؛ بارانی آتشین بروی آنها ریخت، آب دریای کف آلود برآمد {این ممکن است در ارتباط با زلزله سوریه در آن زمان باشد}. و قتیکه صدای ترک خوردن آنها ایستاد، کشتیها با مردان و همه چیز به کف دریا رفتند. تنها ده مرد بجاماندند تا بما و عربها بگویند بزرگی آنچه خدا با آنها کرده بود.¹⁶

شکست نیروی دریائی مسلمان در برابر دیوارها و ساکنان کاستنتین پل بیک تغییر بزرگ در موازنه نیروها بین عربها و بیزاننتین ها نشان زد. و پیش از اواخر قرن یازدهم آخرین باری شد که کشتیهای مسلمان بدریای مرمره میرسیدند. نیروی دریائی کاستنتین پل را نجات داد و جلوی مسلمانها را از رسیدن باین پیروزی نهائی گرفت.

دیگر مکانهای فعالیت دریائی در دوران تسخیرهای اولیه مسلمانان ساحل شمال افریقا و سیسیلی بود. اولین اعزام نظامی مسلمان به سیسیلی در 652 بان اقدام شده بود، مدت ها پیش از آنکه شمال افریقا عملاً تسخیر شده باشد. یک نیروی مسلمان تشکیل شده از 200 کشتی سواحل جزیره را برای یک ماه با گرفتن غنیمت از کلیساهای و مانستری ها غارت کردند پیش از اینکه به سوریه برگردند.¹⁷

با بنیاد گذاشتن تونس، عربها به فراساخت پایگاه دریائی در شمال افریقا آغاز کردند. احتمالاً بیدرنگ بنیادگذاری شهر با فرماندار حسن در حدود 700 در نتیجه سقوط کارتاژ آغاز شد. دلیل انتخاب مکان جدید، تا ترجیح بکاربردن بندر بیزاننتینی کارتاژ بسادگی، روشن نیست. ممکن بود که بندر پیشین پر از گل و لای بوده باشد ویا بدلیل های دیگر بکار بردنی نبوده است، اما بیشتر احتمال دارد جذابیت تونس باین علت باشد که در دریای باز نبود، که در خطر حمله دریائی بیزاننتین بوده باشد، بلکه در یک دشت آب بود که سپس با یک کانال کوتاه بدریا ارتباط میافت. این مکان دادن استحکام نظامی را بان آسان میکرد. شهر بعنوان پایگاه دریائی اصلی در افریقا رشد کرد، اگرچه مرکز دولت در داخل خشکی در قیروان باقی ماند.

احتمالاً مدت کوتاهی بعد از این در سال 700 بود که مسلمانها اولین تسخیر خود را در جزیره های دریای مدیترانه با گرفتن پنتلریا انجام دادند. چند سال بعد، احتمالاً در 703، یک ناوگان بزرگ زیر فرمان عطا بن رفیع بشمال افریقا رسید.¹⁸ پیش از این پانیز بود و انتظار توفان میرفت. فرماندار موسی بن نصیر بر ضد اقدام به جنگجویی در آن سال اخطار کرد، اما عطا چشمش بروی غنیمت های بالقوه بود که جزیره میتوانست عرضه کند و آماده نبود تا صبر کند. آنها تصمیم گرفتند به ساردینیا حمله غارتگرانه بکنند، همه چیز بخوبی پیشرفت تا گشتندگی بازگشت. و قتیکه آنها تقریباً به بندر خانگی خود در تونس رسیده بودند، به یکباره طوفانی کوبنده بیشتر کشتی های ناوگان را شکست. در نزدیک ساحل پسر فرماندار عبدال عزیز جسدهای غرق شده و باقی مانده کشتیها و بار آنها

را جمع کرد. کشتیهای باقی مانده و ملوانان آنها در تونس پناه گرفتند جائیکه موسی از آنها نگهداری کرد. شاید در نتیجه بخشندگی که او از خود باین مردان نشان داد، آنها به بنیاد نیروی دریا ای شکل دادند که موسی با آن نه سال بعد اسپانیا را اشغال کرد.

این مصیبت دریائی در پاپیری مصری طنین جالبی بجا نهاد. در میان تعدادی نامه از فرماندار عرب به پاگارش (زمین دار و مقام رسمی) از آفرودیتو در مصر بالائی یک نامه ای هست که امیر در آن جويا میشود که چه اتفاقی برای ملوانان، احتمالاً همه آنها کاپتیک، از شهری که به ناوگان پیوستند افتاده است. با تفتیش دینی نسبتاً سنگین بوروکراتیک، او میخواهد بداند چه تعدادی به خانه هایشان برگشتند و چه تعدادی در مغرب ماندند.¹⁹ او همچنین جزئیات بیشتری میخواهد در باره کسانی که برنگشته اند، آنهایی که مرده اند و چرا بعضی ها در افریقا مانده اند. ما تنها نامه های فرماندار را داریم، و نه جواب پاگارش را، اما نامه های پاپیروس دو نکته را بروشنی نشان میدهند: چقدر فرماندار از نزدیک ناوگان را بررسی میکرد و حتی همانقدر آفرودیتو، که 500 کیلو متر با دریا فاصله داشت، و مجبور بود تا برای اعزام نظامی دریائی مرد بفرستد.

بعد از بنیاد زرادخانه در تونس، ناوگان شمال افریقا اصولاً از ناوگان مسلمان مدیترانه شرقی مستقل بود و زیر فرمان فرماندار محلی بود. آنها ذاتاً گروهی دزد دریائی بودند، دریانوردان مستقلی که عملاً کرداری مانند دزدان دریائی داشتند. به جزیره ها و سواحل آسیب پذیر مدیترانه مرکزی حمله های غارتگرانه برای غنیمت و برده گرفتن میکردند. همانطور که ما دیدیم، ناوگان شمال افریقا 360 کشتی مسلح برای کمک کردن به مسلمانها در حمله به کانستنتین پل در 718 فراهم کرد. بعضی وقتها این دزدان دریائی با دشمنان دریانورد روردر رو میشدند. در 733 در سیسیلی گرفتار شناورهای بیزاننتینی شدند که برای سوزاندن بسیاری از کشتی های عرب، آتش یونانی بکار بردند²⁰ و سال بعد گروه دیگری با کشتی های بیزاننتین روبرو شدند و انبار زندانیانشان را از دست دادند. در 740 اقدام به جنگجویی در مقیاس بزرگتری شد. این بار هدف پایتخت بیزاننتین سیراکیوز در سیسیلی بود، و عربها در این جنگجویی با خود اسب آورده بودند. این باید به آغاز واقعی تسخیر سیسیلی عربها نشان میزد، بجز اینکه سال بعد در 741 شورش گسترده بربرها در افریقای شمالی برضد عربهای مالیات جمع کن و برده گیر فراگرفت. عربها از بیشتر شمال افریقا موقتاً بیرون ریخته شدند و مطمئناً در موقعیتی نبودند که هیچ حمله غارتگرانه ای بکنند.

سازمان بندی نیروی دریایی

نگهداری ناوگان ها دریائی آماده مشکل و پرخرج است و نیازمند منابع سپرده شده اختصاصی برای نگهداری و بهتر کردن کشتی ها هستند، حتی وقتیکه آنها پولی نمیسازند. با یک تلاش ارتش زمینی داوطلب ها را میتوان با خرج نسبتاً کمی گردآوری کرد. مردان خدمت میکنند با انتظار غنیمت و آنها اسلحه خود را فراهم میکنند و برای غذای خود پرداخت میکنند. این درست است که با رسیدن قرن هشتم سربازان معمولی حقوق دریافت میکردند، اما وقتیکه کار به جهاد بر ضد بی ایمانان میکشید بسیاری از سربازها هنوز داوطلب بودند.

جنگ آوری دریائی بسیار سخت و مشکل بود و احتیاج داشت تا کشتی ها خیلی پیش از جنگ آوری ساخته شوند. حتی اگر تعدادی از پیش وجود داشت آنها احتیاج داشتند تا مجهز بشوند و دوباره تعمیر شوند. مردان جنگجو ممکن بود بامید غنیمت داوطلب بشوند اما ملوانان و پاروزنان ماهر لازم بودند اجباری و یا با پرداخت تا آنها را برای خدمت جلب کنند. این بدین معنی است که سازمان بندی دریائی از خود آثاری بجا گذاشته است، حتی در نوشتارهای مدیریت بسیار پراکنده که ما از زمان اسلام اولیه داریم.

مرکز سازمان بندی دریائی در زرادخانه بود. کلمه انگلیسی، که از ایتالیائی میاید، نهایتاً از عربی مشتق شده است دار ال-صناع یا خانه ساختن. عبارتی است که از پیش در قرن نهم بکار برده میشد، اگر نه پیش از آن، برای توصیف کردن پایگاه های دریائی که با ناوگان **مسلمانان** بکار برده میشد. اولین پایگاه های دریائی در **سوریه** و **مصر** بودند. بنظر میرسد پیشین ترین آنها در **سوریه** در **ایسر** بود، اما بوسيله خلیفه **هشام (41-723)** به **طایر** منتقل شد چونکه مالک زمین محلی در **ایسر** از فروختن زمین خواسته شده به خلیفه امتناع کرد: سوال خرید اجباری در اینجا وجود نداشت. در **طایر** او مهمانخانه (فندق) ساخت بگمانی برای مسکن دادن به کارگرا، و یک انبار غله (مستقال) ساخت.²¹ در حدود این زمان سنت **ویلی بالاد آنگولو- سکسون** دوبار در دوران زیارت زمین مقدس در 6-724 از **طایر** دیدن کرد، و از **طایر** بود که او برای برگشتن به خانه اش بگشتی سوار شد. او با شادی نوشته است چگونه او توانسته است مقداری گل حنای مقدس ذیقیمت **جریکو** را با پنهان کردن آن در تنگ دسته دار روغن معدنی از گمرک **عرب** بگذراند. او همچنین متوجه شد که بندر در منطقه امنیتی قرار دارد و هرکس که بدون اجازه دیدار میکرد دستگیر میشد.²² در قرنهای نهم و دهم ما از جغرافیادانان **عرب** چندین توصیف از **طایر** را داریم. یک جغرافیادان آنرا این چنین توصیف میکند "سرآمد شهرهای ساحلی که مکان زرادخانه است. از اینجا کشتی های دولتی که برضد **یونانی** ها اعزام شده اند بدریا میروند. آن زیباست و بخوبی مستحکم شده است".²³ نویسنده دیگری: "**طایر** شهری است در کنار دریا با استحکامات نظامی و یک نفر تنها از دروازه وارد آن

میشود، از روی پلی، و دریا دور تا دور آن است، بقیه آن با سه دیوار محصور شده و زنجیری در پهنای آن کشیده شده است ... در آنجا کارگرانی هر کدام با تخصص خود وجود دارند.²⁴

در 861 خلیفه متوکل پایگاه دریائی را به ایسبرگرداند و بعداً، احتمالاً در دهه 870، فرماندار نیمه مستقل مصر، ابن طلان، اقدام اصلی برای بهتر ساختن بندر و دفاع از آن را انجام داد. ما از مقدسی جغرافیادان عرب توصیفی از این کار داریم که کامل ترین گزارش را برای ما از ساختن یک بندر مسلمان اولیه فراهم میکند.²⁵ او با تفاخر قابل ملاحظه ای تعریف میکند از سهمی که پدر بزرگ او در این کار داشته است: ایسبر شهری است در کنار دریا با استحکامات نظامی ... که بعد از اینکه ابن طلان از آن بازدید کرد دفاع از آن بشدت تقویت شده است. او پیش از این استحکامات نظامی طایر را دیده بود جائیکه بندر با یک دیوار دور تا دورش حفاظت میشد و او میخواست ایسبر را به همان شیوه مستحکم کند. مهندسان {سانع} از تمام استان ها آورده شدند اما وقتیکه نقشه برای آنها توضیح داده شد تمام آنها جواب دادند هیچ کس نمیتواند در زیر آب پایه ریزی کند. سپس یک نفر پدر بزرگ معمار {بینا} مرا ذکر کرد و گفت اگر چنین چیزی انجام دادنش ممکن باشد، او مردی است که میتواند آنرا بعهده بگیرد. بنابر این ابن طلان به فرماندار خود در اورشلیم دستور داد تا پدر بزرگ مرا پیش او بفرستد. وقتیکه او رسید آنها نظر او را پرسیدند او جواب داد "مشکلی نیست". "تیر های بزرگ چنار بیاورید" ! آنها بروی آب شناور شدند مانند آنکه کاخی بروی زمین بسازند و بهم بسته شدند. دروازه بزرگی در غرب دریا گذاشتند. سپس او ساختمانی از سنگ و سیمان {شیای} بروی آن ساخت و هر بخش {دوامیس} آنها را با ستون هائی تقویت کرد. زیر وزن تیرها شروع کردند در آب فرو رفتن. بمحض اینکه آنها بروی کف شنی بندر نشستند، او برای یک سال ساختن را متوقف کرد تا ساختمان نشست خود را بکند. در نهایت او این پدافندها را بدیوارهای قدیمی شهر وصل کرد و پلی بروی دروازه ورودی بندر ساخت. هر وقت در بندر کشتی بود مانند طایر زنجیری در پهنای دروازه کشیده میشد. پیش از اینکه این کار بشود، دشمن {بیزانتینی ها} آسیب جدی به کشتی هائی که در اینجا گرد آمده بودند وارد میکردند. پدر بزرگ من گفت بعنوان پاداش بکنار از عباى افتخار، اسب ها و هدیه های دیگر هزار دینار باو داده بودند و نام او بروی بنا کنده شده است.

از کار حالا هیچ چیز بروی آب بجا نمانده است، اما ما میتوانیم بروشنی آنرا مجسم کنیم. بکار بردن دوباره ستونهای کلاسیک، که افقی قرار داده میشد تا ساخته را تقویت کند، نمونه وار معماری صلیبی ها در ساحل لوانتین است و مشاهده بکار بردن آن در این تاریخ ابتدائی جالب است.

در حدود 780 پایگاه دریائی دیگری در تارساس در سیلیشیا برپا شد. تارساس یک شهر مهم بیزانتین بوده است و خانه اولیه سنت پال. بنظر میرسد بیدرنگ در نتیجه تسخیر مسلمان متروک و ویران شد بود وقتیکه دیگر در بین خاک عرب و بیزانتین سرزمین انسانها نبود. خلیفه هارون الرشید دستور داد که تارساس میباید مستحکم شده و مرکز داوطلبان از سراسر دنیای اسلام شود کسانیکه

میامند تا بجهاد بر ضد **بیزانثینی** ها پیوندند. احتمالاً کشتی ها در **خوری** که **تارساس** را به دریا وصل میکرد بسته شده بودند، و در آنجا هیچ نوشتاری نیست از بندری که ساخته شده باشد. سپس در سال 900 خلیفه دستور داد که تمام کشتیها میباید سوزانده شوند، ظاهراً چون باو گفته شده بود که وفاداری ساکنان تردید آمیز است. "در حدود 50 کشتی، که برای آنها پول زیادی خرج شده بود و در آن زمان هرگز نمیشد جایشان را پر کرد، نابود شدند. از دست رفتن این کشتی ها **مسلمانها** را بخطر انداخت، توانائی آنها را کمتر کرد و توانائی های **یونانی** ها را افزایش داد که حالا از حمله دریائی مصون بودند.²⁶ باوجود این ارزیابی بدبینانه، **تارساس** بزودی جایگاه خود را کسب کرد چون در 904 کشتی های **مسلمان** در امتداد ساحل **مدیترانه** در **آنتولیا** به **آنتالیا** حمله ای غارتگرانه کردند. شهر بازور گرفته شد، در حدود چند هزار زندانی گرفته شد و چهار هزار زندانی جنگی **مسلمان** آزاد شدند. شصت کشتی **بیزانثینی** گرفته شده با غنیمت ها بار شدند که شامل طلا، کالا و برده ها میشدند. همه **مسلمانهائی** که در این حمله غارتگرانه سهمی داشتند در حدود یک هزار دینار بهر کدام رسید. **مسلمانها** از این خبر بوجد آمدند.²⁷ در زمانیکه ارتش **بیزانثین** بطور روز افزونی برضد حمله های غارتگرانه زمینی مسلمانان موثرتر شده بود، اینگونه غنیمت ها باید بجنگ آوری دریائی دیدگاهی خیلی جذاب میداد.

پایگاه های دریائی در **مصر** خیلی زود بعد از تسخیر **مسلمانان** برجا شدند و آنگونه که ما پیش از این دیدیم در آغاز قرن هشتم ملوانان **کاپتیک** در دریای **مرمره** و شمال **افریقا** عملیات داشتند. همانند ساحل **سوریه**، پایگاه های دریائی **مصر** در بندرهای پیشین **بیزانثینی** ساخته شدند. مشهورترین اینها البته **اسکندریه** بود که سالها بعد از تسخیر **مسلمانان** مطمئناً یک بندر باقی ماند. زیارتگر **آرکالف** بعد از گشتندگی چهل روزه از **جافا** در **فلسطین** بانجا رسید. او شهری را یافت آنچنان بزرگ که یک روز کشید تا پهنای آنرا پیاده برود، که با دیوارها و برج ها محصور شده بود. او همچنین چراغ دریائی باستانی را توصیف میکند، **فاروس**، آنطور که هنوز کار میکرد.²⁸ بدبختانه منابع **عربی** تقریباً هیچ چیز در باره شهر و بندرش بما نمیگویند. ما میدانیم که یک پادگان **مسلمان** در آنجا نگهداری میشد اما ذکری از نیروهای دریائی در آنجا نیست.²⁹ پایگاه مهم دیگر در ساحل **مدیترانه** در **فاراما** بود. اما دوباره منابع چیز اندکی برای گفتن در باره آن دارند. همچنین پایگاه هائی در **روزتا** و **دمیتا** بود. نامه ای که روی **پاپیراس** نوشته شده است و تاریخ 710 را دارد شامل دستور هائی است برای فرستادن تدارکات به **دمیتا** "برای ناوگانی که حمله غارتگرانه میکند"، اما کامل ترین اطلاعات ما در باره این شهر از گزارشی از یک حمله غارتگرانه **بیزانثین** در اوایل تابستان 853 میاید. آن زمان جشنواره غذا خوردن در پایان **رمضان** بود و امیر **مصر** بدون احتیاط کردن به پادگان محلی دستور داد به پایتخت در **فاستیت** بروند تا در جشنها شرکت کنند. در حالیکه آنها رفته بودند یک ناوگان **بیزانثینی** که شامل یک صد کشتی **شالاندا** میشد، هرکدام بین 50 تا 100 مرد را میاوردند، حمله کردند. آنها مسجد جامع و کلیسا ها را آتش زدند. آنها پوشاک، قند و کتان را که منتظر بودند تا به **عراق** فرستاده شوند گرفتند. **بیزانثینی** ها ابزارها و اسلحه های نظامی و دریائی یافتند، 1000 نیزه در راه خود به نیروهای **عرب** که در **کریت** می جنگیدند بود، و آنها انبارهائی را که تدارکات کشتی رانی را داشتند آتش زدند. تعداد 600 زن **مسلمان** و **کاپتیک** اسیر گرفته شدند و

زن ها و بچه های بیشتری غرق شدند همچنانکه آنها کوشش میکردند با گذشتن از دریاچه کم عمق فرار کنند. حمله کنندگان غارتگر سپس بسوی شهر جزیره ای **تینیس** پیش رفتند اما دریاچه را برای کشتی های پر بار سنگین خود بیش از حد کم عمق یافتند. آنها میباید خود را خوشنود میکردند با غارت کردن شهر کوچک **اوشتام**، که بتازگی بدستور خلیفه با دیوار و دروازه آهنین مستحکم شده بود. در اینجا آنها زرادخانه ای از ماشین های محاصره هر دو **منجیق** و **ارادات** پیدا کردند و سوزاندند. سپس، بدون آزار هر نیروی **مسلمانی** در خشکی ویا دریا، آنها بخانه خود بازگشتند. ما از شهرهایی با استحکامات نظامی و ابزار های نظامی و دریائی میشنومیم اما بنظر میرسد در آن مکان هیچ کشتی **مسلمانی** نبود تا از آن دفاع کند.

جزیره **رودا** در **نیل** در **فاستات** مرکز اصلی ساختن کشتی بود و در منابع ابتدائی عرب بسادگی جزیره نامیده میشد "**جزیرت ال-سینا**" و یا جزیره زرادخانه. بنظر میرسد این بعد از حمله **بیزانطینی ها** به شهر ساحلی **مصری بارالاس** در 673 برجا شده است. بگمانی چونکه این مکان بخوبی در بالای رودخانه دور از ساحل درامنیت از حمله غارتگرانه ساختن و تعمیر کشتیها را اجازه میداد. نوشتارهای پایبراس 709 نشان میدهد فرماندار میخوهد که برای کمک کردن نجارها و دیگر مردان دارای حرفه برای ساختن کشتیها پیش رئیس زرادخانه در **فاستات** فرستاده شوند.³⁰

برای اینکه دانسته شود در زرادخانه اولیه **مسلمان** چه گذشته بود نشانه های بیشتر میتواند یافته شود در یک نامه منصوب شده از خلیفه (نامیده نشده است) به فرماندار (باز هم نامیده نشده است) در یک مکان پیشواره ای مرزی، ثبت شده در قرن دهم.³¹ مانند بیشتر چنین نوشتارها، بیشتر آن با پند دادن و شعور عمومی پر شده است. نامه با مجموعه ردیفی از فرمان های اطاعت از خدا، که به مردمان خوب لطف میکند نه بد آغاز میشود و همینطور ادامه میدهد، اما دستوراتی مستقیماً در ارتباط با بندر و کشتی میدهد. برای نگهداری کشتیها و ابزار آنها در وضع خوب بفرماندار اصرار میشود پول خرج کند و در زمستان کشتی ها را از آب بیرون بیاورد. فرماندار میباید جاسوسانی میفرستاد و خود را بخوبی آگاه نگه میداشت. او نمیباید هیچ متخصص آتش یونانی (نفترین)، دریانورد، اندازنده پرتابی ها (قاده دفین) یا هر مرد حرفه دان دیگر را اجازه ورود بداخل کشتی ها بدهد مگر اینکه آنها بطور مناسبی واجد شرایط شده باشند و توانائی خوب کار کردن را داشته باشند. تنها بهترین سربازان باید استخدام شوند. او محوطه ساختمان کشتیها را باید بازرسی کند و مطمئن شود ذخیره چوب، آهن، کتان، خیمه (زیفت) و دیگر چیزها در آنجا باندازه کافی وجود دارند. بنابراین کشتیها بطور مناسبی ساخته شوند و بخوبی درز گیری شوند و با پارو و بادبان (کولو) تدارکات بشوند. ملوان های با تجربه و قابل اعتماد باید انتخاب بشوند. مواظب بازرگانان باید بود در صورتیکه جاسوس باشند. او همچنین میباید مواظب بندر باشد تا مطمئن شود تا هیچ کشتی بدون اطلاع او داخل و خارج نشود. همه چیز بروی اسکله میباید پاکیزه و بخوبی نگهداری و آماده برای عملیات شده باشد. او میباید بازبینی کند که در آنجا ذخیره کافی نفت، گل حنا و طناب وجود داشته باشد، و همه در وضع خوب باشند.

هیچ چیز در این نامه نیست که هر دریانورد خوبی بتواند با آن موافق نباشد. بدون تردید زرادخانه **مسلمان**، مانند تاسیسات نظامی در هرجا، معمولاً پائین تر از بالاترین استانداردها بودند، اما مدیریت بروشنی فکر خوبی داشت درباره اینکه چه چیز لازم بود و آماده شده بود، دست کم در اصول، پول برای آن خرج کند.

کشتیهای جنگی³²

عربها و مخالفان **بیزانتینی** آنها هر دو از یک سنت مشترک طراحی کشتی بهره میبردند. کشتیهای بزرگ **تریمرز** (سه ردیف پارو زن) و **کواینکوایرمز** (پنج ردیف پارو زن) دوران **هلنستیک** و **رومن** مدتها بود که از آبهای دریای **مدیترانه** ناپدید شده بودند و با **گلی** های کوچک و سبک جانشین شده بودند. تا بحال هیچ کشتی جنگی شکسته این دوران شناسائی نشده است. بنابر این برای دوباره سازی ما به اشارات اندک منابع نوشتاری و شماری کوچک و ناکافی از طراحی ها و نقاشی بروی دیوارها برای امکان دیده شدن چگونگی کشتیهای جنگی این دوران متکی هستیم. یک مقدار زیادی بی اطمینانی وجود دارد. طبیعت نوشتاری منابع، نمایندگی هر دو نوشتاری و تصویری، بدین معنی است که ما اندکی بیشتر در باره کشتی های **بیزانتینی** اوایل قرنهای میانه میدانیم تا کشتیهای **عرب**، اما گواه اندکی وجود دارد که کشتیهای جنگی بکار برده شده از هر طرف بطور قابل ملاحظه ای متفاوت بودند.

استاندارد کشتی های جنگی **بیزانتینی** این دوران **درومون** یا **چلاندیون** نامیده میشد و **عربها** نوع یکسانی را اختیار کردند، آنها را **شیننی** و یا **شالاندی** نامیدند. در این دوران کشتی های تجارتی منحصرأ به نیروی باد متکی بودند اما کشتی های جنگی با پارو پیش میرفتند و در هوای مناسب و حرکت معمول بادبانهایشان را بعنوان منبع افزون کننده نیرو بکار میبردند. پاروها برای ایجاد سرعت و تغییر جهت در درگیری نبرد التزامی بود. تخمین زده شده است که یک **دورمون** میانواره درازایش تقریباً 30 متر میشد و، با داده نسبت 1:8 درازا به پهنا، پهنائی بین 3 تا 4 متر داشت. کشتی های **مسلمان** احتمالاً همانسان بودند. بزرگترین شماره ملوانان **دورمون** از منابع **بیزانتینی** دانسته شده 230 پارو زن و 70 ملوان در یک کشتی بود، اما احتمالاً بیشتر آنها بین 100 تا 200 مرد را حمل میکردند.

در ابتدای قرنهای میانه کشتیهای جنگی از جهت هائی که طراحی و ساخته میشدند چندین تغییر مهم را دیدند.³³ اولین تغییر در ساختمان بدنه کشتی بود. در دنیای باستانی بدنه کشتی با بکار بردن الوارها و قرار دادن لبه آنها بروی لبه دیگری و نگاه داشتن آنها با میخ های چوبی جفت کننده و اتصال های زبانه ای ساخته میشد. آنطور که دوباره سازی شده است، کشتی **یاسا ادی** از 626 بطریق مدرن ساخته شده بود، بابکار بردن بدنه ای اسکلت واره کامل که تیرهای بریده بعداً بان متصل میشد؛ آن کشتی سبک تر و اقتصادی

تر اما روش جدید ساختن کشتی بدون تنومند کردن آن بود. ما نمیدانیم که آیا نیروی های دریائی از تکنیک جدید ساختن بدنه که ما در **یاسا ادی** میابیم بهربرداری کردند، اما احتمالاً آنها آنرا انجام داده اند، چونکه اینها ارزانتر و سبکتر بودند. دوّمین تغییر مکان کوبنده های زیر آبی به بالای مهمیز آب در سینه کشتی بود. کشتیهای کلاسیک بعنوان اسلحه مهمی در جنگ آوری دریائی کوبنده های زیر آبی را بکار میبردند، اما در اواخر عهد عتیق این رها شد و بدنه های ساخته شده سبکتر برای کوبیدن مستقیم سخت آسیب پذیر شده بودند.³⁴ سومین اختراع تغییر در شکل طناب بادبان ها بود. آخرین کشتی های **رومی** بادبان چهار گوشه داشتند که از دکل با طناب کشیده میشدند، اما در زمانی نامعین در اوایل قرون میانه با بادبان مثلثی شکل جانشین شد که در جهت باد حرکت را آسانتر میکرد. بنظر میرسد کشتی های **عرب** از آغاز بادبان های مثلثی بکار میبردند. فرا ساخت ویژه دیگر این دوران بکار بردن عرشه چوبی کشتی است، وقتیکه از نزدیک میجنگیدند، "کاخ" بروی عرشه مزیت بروی بلندی بودن را به دریانوردان میداد. در اواخر عهد عتیق کشتیها با دو پاروی بزرگ در عقب کشتی جهت عوض میکردند، و بنظر میرسد این تا قرن دهم یا یازدهم ادامه پیدا کرد، وقتیکه چنین پاروهای جهت عوض کن با یک سکان در عقب کشتی عوض شد.

از جهت های زیادی جنگ آوری دریائی کمی بیشتر از جنگ آوری بروی خشکی بود که در کشتی جنگیده میشد. دستور العمل **بیزاننتینی ها** برای جنگ آوری دریائی سازمان بندی کشتیها بشکل هلال با فرمانده و نیرومند ترین کشتیها در مرکز را توصیه میکند. همچنین یکی از آنها پیشنهاد میکند اگر نبرد در ساحل دشمن درگیر میشود، بهتر است نزدیک ساحل باشد تا ملوانان آنها برای ترک کردن کشتی و شنا کردن به خشکی تحریک بشوند! بنظر میرسد بیش از این راهنمایی اندکی برای فراگشت تاکتیکی کشتی وجود داشته است. نبرد معمولاً با پرتابی ها، تیر کمان، سنگ و مواد آتشنازا آغاز میشد. افزون بر سیفون ها برای **آتش یونانی**، که معمولاً بروی کمانه ها قرار داشتند، معمولاً کشتیها برای پرتاب سنگ و کاسه هائی از **آتش یونانی** منجنیق حمل میکردند. یکی از فکرهای بیشتر خیالی پرتاب کردن ظرفهای شامل عقرب و افعی بروی عرشه کشتی دشمن بود، یک فکری که بنظر میرسد بیشتر انگاره ای جذاب بود تا در شرایط عملی جنگیدن کشتی با کشتی.³⁵ سلاح های اصلی تیرو کمان و تیرو کمان های تنش دار بود و در پایان نبرد دریائی، مانند نبرد **میست**، که احتمالاً با جنگیدن تن به تن بین سربازها نتیجه اش معین شد، بیشتر مانند جنگیدن بروی خشکی بود. کارکنان کشتی از دو گروه تشکیل شده بودند، از یک طرف پارو زنان و دریانوردان و از طرف دیگر سربازها و یا ملوانان بودند. گواهی ها نشان میدهد که در کشتیهای **بیزاننتینی** دو گروه کاملاً جدا نبودند و دریانوردان اگر ضروری میشد میتوانند جنگجو باشند. در ناوگان های اولیه **مسلمان**، با مقایسه منفی، در آنجا بنظر میرسد نسبتاً جدائی اکیدی بین سربازها، که **عربهای مسلمان** بودند، و مردان دریائی، کسانیکه **کاپتیک** و یا **مسیحی سوریه** ای بودند وجود داشت. چنین جدائی با رسیدن قرنهای نهم و دهم باید بی ارتباط شده باشد، بخصوص در کشتی های دزدان دریائی.

گواهی پاپیراس مصری

پاپیری مدیریت مصری از قرنهای هفتم و هشتم چشم انداز داخلی یکتائی بفرخوانی دریانوردان و تدارکات ناوگان بما میدهد. مهمترین اینها یک سری نامه هائی است که **قرا ابن شریک**، فرماندار **عرب مصر** از 709 تا 714، به مدیر شهر کوچک بالای مصر **آفرودیتو**، حالا **کوم اشقاو**، برای حمله غارتگرانه به **ساردینیا** در 703 که پیش از این درباره یکی از آنها صحبت شده است. نوشتار به **یونانی**، **کاپتیک** و **عربی** است، اما از دیدگاه ما مهمترین آنهایی هستند که به زبان **یونانی** اند، **یونانی** هنوز زبان اصلی مدیریت در استانهای **مصر** باقی مانده بود، اگرچه دولت مرکزی در **فاسسات** بزبان **عربی** گردانیده میشد. **آفرودیتو** یک فاصله زیادی از دریا داشت، در حالیکه ممکن بود مردم محلی تجربه قایق رانی در **نیل** را داشته باشند، اما مشکل میشود تصور کرد که خیلی از آنها تجربه مستقیمی برای دریانوردی در دریا داشته باشند. با اینوجود از آنها انتظار میرفت سهمی در ناوگان **مصری** داشته باشند. از هر مکانی انتظار میرفت تعداد معینی دریانورد فراهم کنند. بما گفته شده است که اینها ممکن است از میان مراقبین حمام ها، لکه گیرها و چوپانان احضار شوند، آنها مردانی درگیر شغل های نسبتاً با شأن پائین و دستی هستند، و هر دهکده ای موظف بود مردان واجد شرایط را نام نویسی کند. ملاکان محلی زمین مجبور بودند این مردان را معین کنند و اگر آنها خود را نشان ندهند ضمانت فراهم کنند، تا دولت بتواند جانشین آنها را استخدام کند. در یک نامه از مالک های زمین محلی به فرماندار برای آنچه آنها خواهند کرد ضمانت کرده اند:

ما اعلان میکنیم آماده ایم، ماضمانت میکنیم، ما مسئولیم و ماضمانت میکنیم و ما قابل اعتمادیم این اشخاص دریانورد، که آنها از مکان ما هستند، کسانیکه ما نام آنها را برای شما در پایان این اعلان ضمانت نامه نشان میدهیم. ما آنها را بسوی شمال میفرستیم بعنوان دریانوردان کشتی ها در هفتمین سال دلالت بر حمله غارتگرانه (کراسوس) برای هشتمین دلالت.[†] از این راه آنها وظیفه خود را بعنوان دریانورد انجام میدهند در **آمار مصری** بدون شانه خالی کردن. اما اگر هر کدام از آنها شانه خالی کنند، ما آماده هستیم هر جریمه ای را بپردازیم که سرور ما فرماندار مشهور ما ممکن باشد بما تحمیل کند.

سند پایان میابد با نام و نشانی سه دریانورد و امضای تضمین کنندگان.³⁶

در نامه ای دیگر، به مردم محلی دستور داده شده است دو و نیم دریانورد بفرستند(!) برای پیوستن به ناوگانی که بوسیله **عبدالله بن موسی بن نصیر** در **آفریقا** سازمان بندی میشود. بانها 1/6 سولیدی پرداخت میشود و خرج سفر 1/6 از "خزانه دولتی" پرداخت میشود، بگمانی بدین معنی که از پولی که ناحیه برای مالیات ها بدهکار است پرداخت خواهد شد.

[†] که این بکار بردن روش قدیمی تاریخ گذاری اواخر بیزانترین با دلالت کردن به پانزده سال است.

پارو زنی در کشتی های گلی، مخصوصاً گلی های جنگی که بیک طبقه قانون ورز بیگانه تعلق داشت، هرگز نمیتوانست حرفه انتخابی پر طرفداری باشد، اما نامه ها نشان میدهند که، اگرچه در انگاره خدمت اجباری بود، دست کم اگر تودر لیست بودی برای آن بتو پرداخت میشد. اینها برده در گلی های نبودند آنچنانکه در روم باستانی بکار برده میشد. از آن بیشتر، این روشن است که بعضی وقتها، اما نه بدین معنی که همیشه، این امکان پذیر بود که بجای اینکه شخصاً خدمت بکند پول پرداخت کند. حتی در یک پاپیراس درخواست متکا شده است و پیشنهاد شده است، شاید زیاد از حد خوشبینانه، این برای نیمکتهای پاروزنان بوده است.³⁷ ما پیش از این ذکر کرده بودیم از چگونگی نوشتن قرا برای اینکه پی ببرد به سرنوشت آن مردانی از آفرودیتو که به حمله غارتگرانه ناموفق ناوگان عطا بن رافی پیوسته بودند. بعضی ها مردند، دیگران بخانه های خود برگشتند اما بعضی ها در افریقا باقی ماندند، و امیر میخواست بداند چرا. امکان داشته است که خدمت در نیروی دریایی دستکم به بعضی مردها یک فرصتی را امکان میداد تا از محدودیت های زندگی در روستا فرار کنند و برای خود آغاز جدیدی بکنند.

اگر نیروی دریایی احتیاج به مردم داشت، آن همچنین برای کشتی سازی احتیاج به مصالح داشت. دوباره زمینداران آفرودیتو فراخوانده شدند تا کمک کنند. بروشنی الوار مهمترین این مصالح بود. بعضی الوارها از جنگل های باستانی کوهستان های لبنان میامد اما خود مصر چوبهای خوبی تولید میکرد. در مصر درخت لبک بود، که در باره آن گفته شده است که "اگر دو پاره آن محکم بهم چسبانده شود و برای یک سال در آب رها شود، آنها یکی خواهند شد"، درخت باستانی، که چوبش مانند آهن محکم بود درخت کاج بود. در یک نامه قرا از پگارچ آفرودیتو میخواهد که تیرهای چوب درخت کاج و انجیر برای ساختن کشتی بفرستد به "جزیره بابل {فاستات}" برای ساختن کشتی برای حمله های غارتگرانه سال آینده و امسال میباید تحویل داده شود.

مانند چوب، آهن برای میخ ضروری بود، دوباره، از مردم آفرودیتو خواسته شد که از مغازه دولت آهن قراضه و یا آهن خام را بگیرند، از آنها میخ بسازند و آنها را برای رئیس عملیات کشتی سازی در فاستات بفرستند. خود مصر آهن تولید نمیکرد بنابراین آهن باید وارد شده باشد، شاید از اسپانیا، یا شاید آهن دوباره مصرف شده از ساختمان های دوران بیزانتین بود. نهایتاً طناب بود، و جالب است که ذکر شود کلمه انگلیسی کیبل در نهایت از کلمه عربی حبال بمعنی طناب مشتق شده است. برای این منظور مصر تدارکات خوبی از کف داشت.

در کنار این فعالیت رسمی نیروی دریایی دولت، در آنجا دزدان دریایی عرب غیر رسمی وجود داشتند، بدون پرداخت و گرد آمده بودند بامید گرفتن غنیمت. این دزدان دریایی بودند، نه نیروی دریایی خلیفه، که در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم مسئول تسخیر کرت در 824 بودند و برجا کردن آشیانه دزدان دریایی در جنوب ایتالیا در رودخانه گری جلینو و در جنوب فرانسه در فراکسین تام (فرجاس). اما اینها بیرون از گستردهی این کتاب میباشد.

- جی. اف. بیس، اف. اچ. وان دورنیک، جلد 1: یک کشتی غرق شده بیزانترین در قرن هفتم (کالج استیشن، نگراس، 1982).¹
- برای بررسی جنگ آوری دریائی در مدیترانه از میانه قرن ششم تا میانه قرن هشتم، نگاه کنید به جی. اچ. پریور و ای. ام. جفریز، عصر درومون: نیروی دریائی بیزانترین 500-1204 (لندن، 2006)، ص 34-19. برای داستانه‌واره با جزئیات دوران ابتدائی اسلام، نگاه کنید به ای. ایکوف، (1040-650) (برلین، 1966).²
- نگاه کنید به پی. کرون، "چگونه کافران قرانی زندگی خود را میگذرانند؟"، بولیتن دانشگده مطالعات شرق و افریقا 63 (2005): 99-387 در ص 395.³
- قیرس در این زمان، نگاه کنید به ا. کمرون، "قیرس در زمان تسخیرهای عرب"، بازدید تاریخی قیرس (1992): 27-49، تجدید چاپ در ایدم، تغییر فرهنگ در ابتدای بیزانترین (الدارشات، 1996)، 4. برای حمله های عرب، نگاه کنید به ا. بیهمر، ".....10...."، در جهت ترابری دریائی عرب، ویر. وای. وای. ال-حاجیو 4. مسیحی شدن (آتن، 2002)، ص 61-41.⁴
- کمرون، "قیرس"، ص 2-31.⁵
- بلادحاری، فتوح، ص 3-152.⁶
- بلادحاری، فتوح، ص 154؛ تبری، تاریخ، 111، ص 709.⁷
- برای مشکل منابع و سختی کار کردن به کجا و کی حمله شد، نگاه کنید به ال. ای. کانراد، "تسخیر آرواد: یک منبع- مطالعه انتقادی در تاریخ شناسی ابتدائی قرون میانه خاور نزدیک"، در بیزانترین و اسلام ابتدائی خاور نزدیک، جلد 1. مشکل در ادبیات نوشتاری منابع (نوشتار های اول در باره اواخر عهد عتیق و اوایل اسلام)، ویر. ا. کمرون و ال. ای. کانراد (پرینستون، نیوجرسی، 1992)، ص 317-401.⁸
- نگاه کنید به ا. ان. استراتوس، "درگیری ناوگانی در فونیکس"، در مطالعات چارانیس، ویر. ا. ای. لائیو توناداکیس (نیو برازویک، 1980)، ص 229-47.⁹
- ابن عبدل الحاکم، فتوح، ص 9-189؛ ابن العتیر، کمیل، ص 20-119.¹⁰
- ابن عبدل الحاکم بخطا او را هرکولیس مینامد.¹¹
- وی. کریستیدز، "ستیز عرب - بیزانترین در دریا: تاکتیک های دریائی (قرن هفتم - یازدهم): تئوری و عمل"، در لحاظ دریانوردی عرب، ویر. وای. وای. الحاجی و وی کریستیدز (آتن، 2002)، ص 101-87 در ص 90.¹²
- برای بکار بردن آتش یونانی، نگاه کنید به تئوفینز، ویر. دی بور، 1، ص 4-353؛ ایکوف، دریانوردی، ص 3-21؛ جی. هالدون، بیزانترین در قرن هفتم (کمبریج، 1990)، ص 5-63. همچنین جی. هالدون و ام. بایرن، "یک راه حل برای آتش یونانی"، بیزانترین 70-91-9: (1977)¹³
- کوتاه شده نوشتار در دی. اولستر، "تئودوسیوس گرامتیکاس و محاصر عرب ها در 78-674"، بیزانترین 56 (1995)، ص 8-23؛ سی.¹⁴
- ماکرپیولیس، "کشتی های مسلمان ها از چشم بیزانترینی ها"، در الحاجی و مسیحیت، جنب ها، ص 90-179.¹⁵
- تئوفینس، وقایع نگاری، ص 8-396.¹⁶
- تئوفینس، وقایع نگار، ص 399.¹⁷
- بلادحاری، فتوح، ص 235؛ اریکوف، ...، ص 17-16.¹⁸
- اریکوف، ...، ص 9-28.¹⁹
- ا. ام. فاهمی، سازمان بندی ناوگان مُسلم در جنوب مدیترانه از قرن هفتم تا دهم ا. دی. (جلد دوم، قاهره، 1966)، ص 66.²⁰
- اریکوف، ...، ص 37.²¹
- بلادحاری، فتوح، ص 8-117. نگاه کنید به فهرست لغات برای بکار بردن مستقال
جی. ویلکینسون، زائران اورشالیم پیش از صلیبی ها (دوباره نگاه کردن. چاپ، وارمینستر، 2002)، ص 245، 247.²²
- یعقوبی، بلادین، ص 327.²³
- مقدسی، احسن ال تقاسیم، ص 3-163.²⁴
- مقدسی، احسن التقاسیم، ص 3-162.²⁵
- تبری، تاریخ، 111، ص 2200.²⁶
- تبری، تاریخ، 111، 2250.²⁷
- ویلکینسون، زیارتگران اورشالیم، ص 8-196.²⁸
- ابن عبدل حاکم، فتوح، ص 2-1.²⁹
- فهمی، سازمان بندی نیروی دریائی مُسلم، ص 7-36.³⁰
- قداما ابن جفر، الخراج و سینات الکتابا، ویر. محمد حسین ال زبیدی (بغداد، 1981)، ص 50-47.³¹
- برای طراحی کشتی ها در این دوران، نگاه کنید به پریور و جفریز، عصر درومون، ص 61-123، و اف. ام. هاکر، "ناوگان های اواخر رومن، بیزانترین و اسلامی"، در عصر گلی: کشتی های پارونی از پیش از زمان کلسیک (لندن، 1995)، ص 100-86. همچنین نگاه کنید به ماکرپیولیس، "کشتی های مُسلم از دیدگاه بیزانترین".³²
- برای این ابداهای تکنیکی، نگاه کنید به پریور و جفریز، عصر درومون، ص 61-123.³³
- هاکر، "ناوگان های اواخر رومن، بیزانترین و اسلامی"، ص 100-90.³⁴
- همان، ص 99.³⁵
- فهمی، سازمان ناوگان مسلمان، ص 3-102.³⁶
- همان، ص 84.³⁷